قضاوت های غلط

سیدمحسن حسینی‌طه

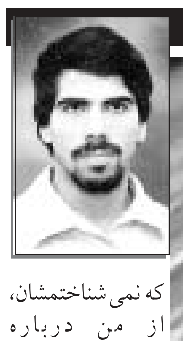

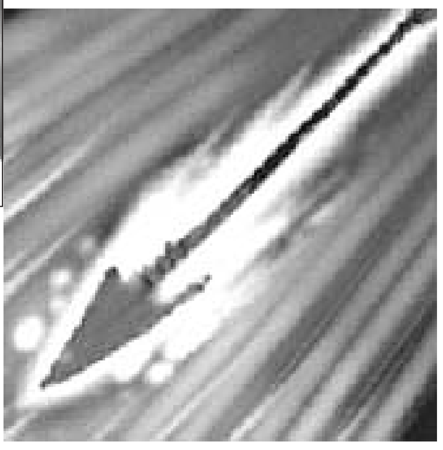

درست حدس زده بودم می دانستم اگر کلاه کاموایی بر سر بگذارم، به پیش داوری های غلط مردم دامن می زنم و باز هم در شهر با رفتارهای اشتباه سایرین روبرو می شوم و آنها باز هم معلولیت مرا به حساب تنگدستی و نداری می گذارند. با این همه نتوانستم در مقابل اصرار مادرم مقاومت کنم و به او قول دادم اگر بعد از ظهر هنگام برگشتن از دانشگاه هوا سرد بود، کلاه بگذارم.

عصر شد. از دانشکده بیرون آمدم و اگر اشتباه نکنم، آخرین روزی بود که در دوره کارشناسی سر کلاس رفتم. سوز برف می آمد. کلاه را بر سر گذاشتم و به راه افتادم.

احساس عجیبی به من دست داد، احساس یک خستگی آمیخته با لذت از این دوره چهارساله که در دانشکده بودم و تمام سختی ها، رنج ها و تنهایی ها را به امید امروز سپری کردم ... به یاد پدرم افتادم. اولین روزی که به دانشگاه آمدیم، پدرم کارت دانشجویی را به دستم داد و گفت: خستگی ام در رفت! او همان پدری بود که دوازده سال با نظام آموزشی مبارزه کرد تا فرزند معلولش در مدارس عادی تحصیل کند و وارد دانشگاه سراسری شود.

آن روز انگار راه دانشگاه تا خانه، دفتر خاطراتی بود که با هر قدم من، یک صفحه اش ورق می خورد. یاد اولین روز کلاس هایم افتادم. وارد یک کلاس چهل نفری شدم. چهل جفت چشم دریک لحظه با فردی روبرو شدند که پاهایش خم و دستانش در هوا معلق بود و هنگام راه رفتن اش، همه فکر می کردند الان است که نقش زمین شود. می دانم شاید آن روز بسیاری از آنها فکر می کردند او در میان ما چه می کند اما دیری نگذشت به همه آنها نشان دادم که اشتباه نیامده ام.

یاد اولین جلسه درس نگارش افتادم. وقتی استاد از همه خواست تا اگر شعری دارند بخوانند و من غزل مثنوی ام را خواندم، همه نگاه ها نسبت به من عوض شد و بعد از مدت کوتاهی، در همه دانشگاه، از راهرو و سالن غذاخوری گرفته تا دستشویی، افرادی که نمی شناختمشان، از من درباره شعرهایم سئوال می کردند.

به ایستگاه اتوبوس رسیدم. اتوبوس آزادی را سوار شدم و باز هم خاطرات چهار ساله در ذهنم مرور شد. به یاد تنها آمدن ها و تنها رفتن های این سالها افتادم و اینکه هیچ روزی نتوانستم این مسیر را با کسی بیایم که مشکلات و معلولیت هایم را عمیقاً درک کند و شاید این تنها آمدن ها و تنها رفتن ها، نعمتی بود برای اینکه بیشتر فکر کنم و بیشتر بنویسم. به یاد این افتادم که هنوز چندهفته ای از زندگی دانشجویی ام نگذشته بود که وارد مطبوعات شدم. در خانه می نوشتم و در دانشگاه، دوستانم را برای پاکنویس آنها به کار می گرفتم.

اما همه خاطرات این چهارسال، شیرین و لذت بخش نبود. به یاد درس "مبانی عرفان و تصوف" افتادم، درسی که شاید بخاطر علاقه به آن، رشته ادبیات را انتخاب کردم اما وقتی دیدم استاد آن درس حاضر نیست به سؤال های یک معلول جسمی حرکتی پاسخ دهد، دل شکسته شدم و اکثر کلاس هایش را غیبت کردم و با اینکه علت غیبت هایم را به او گفتم، تا پایان دوره کارشناسی، در هیچ کلاسی به من گوش نداد اما شگفتی از دانسته های بسیارش، مرا وادار می کرد که باز با او کلاس بردارم.

به ترمینال آزادی رسیدم . کلاه را روی سر محکم کردم و به سمت اتوبوس های رجایی شهر راه افتادم. بخش دیگری از خاطرات دوره دانشجویی ام که در مسیر رفت و آمد شکل گرفت، در ذهنم تداعی شد. به یاد رانندگانی افتادم که به خاطر وضعیت فیزیکی ام، از من پول نمی گرفتند و رانندگانی که تا مطمئن نمی شدند پول دارم، سوارم نمی کردند و من مجبور می شدم با هر دو گروه بحث و جدل کنم و اگر روزی با راننده ای بحثم نمی شد، تعجب می کردم. خاطرات تلخ و شیرین چهار ساله به ذهنم فشار می آورد و جسمم خسته تر و پاهایم بیشتر به زمین کشیده می شد و تنها آرزویم دیدن اتوبوس های رجایی شهر بود.

به اتوبوس رسیدم. بالای پله ها مردی شیشه عسل به دست، ایستاده بود و با چرب زبانی می خواست آنها را به مسافران بفروشد. همین که پایم را روی پله اول گذاشتم، تبلیغ عسل را قطع کرد و گفت: خانمها، آقایان یه کمکی هم به این بنده خدا بکنید، ثواب داره. چند ثانیه ای نگذشت که فهمیدم منظور آقا من هستم که با آن وضعیت دارم از پله ها بالا می آیم و لابد از کلاه بافتنی ام فکر کرده می خواهم درخواست پول کنم. کنترل عصبی ام را از دست دادم. فریاد زدم و کارت دانشجویی ام را به او و همه مسافران نشان دادم اما انگار کارساز نبود و همین که به عقب اتوبوس می رفتم تا صندلی خالی پیدا کنم، دست هایی با سکه به طرفم آمد که بیشتر عصبی ام کرد.

هوا تاریک شد. به رجایی شهر رسیدم. یادم افتاد که باید به منزل خیاط مادرم بروم و لباسش را بگیرم. به در منزل رسیدم و زنگ زدم. خیاط از آیفون جواب داد کیه؟ گفتم: حسینی هستم، لباس مادرمو می خوام. چند دقیقه گذشت اما خبری نشد. دوباره زنگ زدم. آیفون را برداشت و گفت: از پنجره می اندازم. گمان کردم می خواهد لباس را داخل نایلون بگذارد و از پنجره بیندازد. بالا را نگاه کردم. دیدم خانم خیاط، کیسه ای حاوی پول خرد را به سویم پرتاب کرد. خنده ام گرفت. بلند گفتم: شلوار رو می خوام. پرسید شام می خوای؟ ناگهان مرا شناخت و گفت: ا، ببخشید پسر خانم حسینی هستید؟ پایین آمد. شلوار را به دستم داد و کلی معذرت خواهی کرد. به طرف خانه راه افتادم و در راه به اتفاقات امروز فکر کردم. خاطرات آخرین روز زندگی دانشجویی.

به این فکر کردم که چرا خاطره آخرین روز زندگی دانشجویی یک معلول، باید با دو حادثه تلخ همراه باشد، حوادثی که قضاوت های عجولانه مردم باعث آنها می شود، قضاوت هایی که در آن معلولین با افراد فقیر و بی بضاعت اشتباه گرفته می شوند.

خدمات مشاوره برای والدین کودکان استثنایی

موسسه احیای کودکان استثنایی اعلام کرد مشاوران این موسسه در نقاط مختلف تهران، آماده ارائه خدمات مشاوره‌ای به والدین کودکان استثنایی، بخصوص کودکان استثنایی در مقطع پیش دبستانی می باشند.

روابط عمومی موسسه احیای کودکان استثنایی، نشانی و تلفن دفتر مرکزی و سایر مراکز این موسسه را به شرح زیر اعلام کرد:

شعبه مرکزی شماره ۱: ولنجک، بلوار دانشجو، خیابان عدالت، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۴۲۴۰۷۳
مرکز شماره ۲: خیابان جمالزاده جنوبی، خیابان کلهر، پلاک ۱، تلفن: ۶۶۹۰۲۷۴۳-۶۶۹۰۲۷۴۴
مرکز شماره ۳: شهرک آپادانا، پشت بانک مسکن، ساختمان پزشکان، طبقه دوم، تلفن: ۴۴۶۳۳۳۷۷
مرکز شماره ۴: خیابان مالک اشتر، نرسیده به خیابان جیحون، پلاک ۷۴۶، تلفن: ۵۵۶۴۸۵۹۱

کمک های ساده به کودک ناشنوا

■ کودکی که کاملاً ناشنواست حتی به صداهای بسیار بلند هم واکنش نمی کند. (اما متوجه حرکات و لرزش های حاصل از صداهای بلند می شود. مثلا کف زدن پشت سر کودک هوا را در پشت گردن کودک به جریان می اندازد و باعث می شود که او برگردد.)

■ کودکی که نیمه ناشنواست بعضی از صداها را می شنود اما شنوایی آنقدر واضح نیست که او تفاوت بین صداها و کلمات مختلف را بگوید. اغلب خانواده ها خیلی دیر متوجه این اشکال در شنوایی می شوند.

به ندرت کودکان کاملا ناشنوایند و اصلا نمی شنوند. معمولا والدین خیلی زود متوجه ناشنوایی کودکان می شوند چون او حتی نسبت به صداهای بسیار بلند هم واکنش نمی کند و سرش را برنمی گرداند.

بیشتر اوقات کودکان تا حدودی ناشنوایند. این کودکان تنها به صداهای بلند سرشان را برمی گردانند. گاهی ممکن است به صداهای بم مثل رعد، طبل یا صدای گاو واکنش کنند ولی نه به صدای زیر مثل سوت یا قوقولی خروس. یا (البته به ندرت) برعکس به صداهای زیر واکنش کنند و به صداهای بم نه.

بعضی از کودکان که نیمه ناشنوایند، فقط بخشی از صحبت دیگران را می شنوند. آنها تدریجاً یاد می گیرند که بعضی از لغات را تشخیص داده و به آنها جواب بدهند. اما بسیاری از لغات را به وضوح و در حد فهم نمی شنوند. در شروع به حرف زدن کنند اغلب روشن صحبت نمی کنند، صداهای خاص را قاطی می کنند و تودماغی حرف می زنند. متأسفانه در بعضی موارد والدین، کودکان دیگر و معلمین نمی فهمند که کودک در شنوایی اشکال دارد و ممکن است با او به عنوان "عقب افتاده: رفتار کنند. این تنها مشکل کودک را تشدید می کند.

برای اغلب کودکان در حال رشد برای شناخت ، یادگیری و ارتباط دادن افراد و اشیاء دور و بر، شنوایی و زبان بسیار مهمند.

برای کودک ناشنوا بزرگترین مشکل، یادگیری روش ارتباط است. چون او نمی تواند لغات را به وضوح بشنود، آموزش حرف زدن برایش بسیار مشکل تر است. بنابراین او هم در فهم خواسته دیگران و هم در انتقال خواسته خود به آنان مشکل دارد. همین منجر به یأس و سوء تفاهم های مکرر هم برای کودک و هم برای دیگران می شود. پس جای تعجب نیست که کودکان ناشنوا گاهی در ایجاد ارتباط با دیگران کنند، احساس تنهایی و غربت یا مشکلات رفتاری دارند.

تبادل عقاید از راه ارتباط برای رشد فکر و روان هر کودکی اهمیت دارد. اغلب کودکان ناشنوا به اندازه دیگر کودکان باهوشند. اما برای رشد کامل توانایی روان، ایجاد ارتباط از سنین پایین برای آنها ضروری است.

اثر ناشنوایی روی کودک بستگی دارد به:

۱. زمانی که کودک ناشنوا می شود. برای کودکی که ناشنوا متولد شده یا قبل از شروع به صحبت ناشنوا شده، آموزش صحبت یا "لب خوانی" بسیار مشکل تر از کودکی است که پس از شروع به حرف زدن ناشنوا شده است.

۲. حد شنوایی فعلی کودک. کودک هر چه بهتر بشنود، شانس یادگیری صحبت، درک صحبت های دیگران و لب خوانی بیشتر است.

۳. معلولیت های دیگر. برخی کودکان ناشنوا اشکالات دیگری هم دارند. کودکی که ذهناً عقب افتاده، نابینا است یا معلولیت های چندگانه دارد، مشکل تر از کودکی که تنها ناشنوا است ایجاد ارتباط را خواهد آموخت. دلایل ناشنوایی عبارتست از: وراثت، سرخجه، عامل RH ، نارس بودن، فقدان ید، برخی از داروها، تولد مشکل، کوتولگی و بیماری شکنندگی استخوان.

۴. زمان تشخیص ناشنوایی.

۵. نحوه پذیرفته شدن کودک و تسریع در یادگیری راه های دیگر برقراری ارتباط،

۶. شیوه ارتباط تدریس شده به کودک

اهمیت تشخیص زودرس ناشنوایی

در سال های اول زندگی، مغز کودک مانند اسفنج است و زبان را به سرعت یاد می گیرد. اگر مشکل شنوایی او زود تشخیص داده نشده و کمک جدی و موثر انجام نگیرد، باعث می شود که بهترین سال های یادگیری مهارت های ارتباطی از دست برود (تا سن ۷ سالگی). آموزش اختصاصی هر چه زودتر شروع شود،

کودک نحوه ارتباط را بهتر یاد می گیرد.

والدین باید به دقت علائم شنوایی در کودک را در نظر داشته باشند. وقتی صدای بلندی ناگهان به گوش می رسد، آیا کودک تعجب می کند یا چشم ها را به هم می زند؟ همزمان با رشد آیا به صداهای آشنا برمی گردد و لبخند می زند؟ آیا در ۱۸ ماهگی چند کلمه ای تلفظ می کند؟ آیا در سن ۳ یا ۴ سالگی لغات زیادی را به روشنی ادا می کند؟ اگر نه، او مشکل شنوایی دارد، همین که به وجود مشکل شک کردید، شنوایی کودک را امتحان کنید.

اگر به نظر برسد که کودک درست نمی شنود، در هر موقعیت ممکن او را برای آزمایش پیش یک متخصص ببرید.

اگر از سنین پایین به کودک ناشنوا درک کافی و کمک برای یادگیری ارتباط داده نشود، ناشنوایی می تواند یکی از مشکل ترین ، منزوی کننده ترین و پیچیده ترین معلولیت ها باشد. این دو داستان، نتیجه تشخیص زودرس ناشنوایی و کمک رسانی به موقع به او را نشان می دهد.

تونیو

گرچه تونیو با نقص جدی شنوایی متولد شده بود ولی والدینش تا ۴ سالگی آن را تشخیص ندادند. آنها تا مدت زیادی فکر می کردند تونیو کند ذهن یا کله شق است.

ظاهراً تا یک سالگی خوب پیشرفت می کرد. راه می رفت و با اشیاء بازی می کرد، بعد خواهرش لوتا به دنیا آمد. وقتی مادر لوتا برایش حرف می زد یا می خواند او خیلی بیشتر از تونیو لبخند می زد و می خندید. بنابر این مادر بیشتر برای لوتا حرف می زد و می خواند.

وقتی لوتا یک ساله شد چند کلمه حرف می زد، در حالیکه تونیو هنوز حرف نمی زد. یک روز همسایه‌ای از مادرش پرسید: "تو مطمئنی که او می شنود؟"، مادر جواب داد: "بله" و با صدای بلند اسم او را برد و تونیو سرش را برگرداند.

در سه سالگی تونیو فقط دو سه کلمه می گفت، در حالیکه لوتای دوساله بیش از ۲۰۰ لغت بلد بود، خواسته هایش را بیان می کرد، ترانه های ساده می خواند و با خوشحالی با کودکان دیگر بازی می کرد. تونیو حساس تر بود و اغلب تنها بازی می کرد. بیشتر اوقات بازی او با کودکان دیگر به دعوا و گریه ختم می شد.

رفتار لوتا بهتر از تونیو بود. وقتی مادرش می گفت که کاری را نکند و دلیل آن را توضیح می داد، او می فهمید و می پذیرفت. اما اغلب برای فهماندن مطلب به تونیو مجبور بود به او سیلی بزنند.

یکبار در بازار دهکده، لوتا موزخواست و مادرش برای او خرید. چند لحظه بعد تونیو دزدکی یک انبه برداشت و شورع به خوردن کرد. مادرش او را با سیلی زد و تونیو خودش را روی زمین انداخت و با لگدپرانی شروع به گریه و داد و فریاد کرد.

وقتی پدرش از ماجرای بازار باخبر شد، با خشم به او نگاه کرد و گفت: "کی می خواهی یادبگیری که هر چیز خواستی بگویی؟ تو حالا ۴ سالت است اما حتی سعی نمی کنی حرف بزنی، احمقی یا تنبلی؟"

تونیو فقط به پدرش نگاه می کرد و اشک از گونه هایش روان بود. نمی فهمید پدرش چه می گوید اما نگاه خشمناک او را درک می کرد. پدرش نرم شد و او را در آغوش گرفت.

رفتار تونیو بدتر و بدتر شد. در ۴ سالگی مادرش او را پیش یک بهداشتکار برد که آزمایش کرد و فهمید که او ناشنواست.

حالا والدین تونیو سعی می کنند گذشته را جبران کنند. سعی می کنند با او روشن و آرام و در نور مناسب صحبت کنند و با استفاده از برخی علائم و حرکات دست، مطالب را به او بفهمانند. تونیو کمی خوشحال تر است و چند لغتی بیشتر صحبت می کند اما هنوز در ادای خواسته هایش مشکلات فراوانی دارد.

ساندرا

وقتی ساندرا ده ماهه بود برادر ۷ ساله اش، لینو آزمایش ناشنوایی را یاد گرفت و خواهرش را آزمایش کرد. وقتی پشت سر خواهرش قرار می گرفت و اسمش را صدا می زد یا زنگی به صدا در میآورد، ساندرا نه بر می گشت و نه حتی چشم هایش را بر هم می زد. فقط وقتی محکم روی تابه‌ای می کوبید، ساندرا حیرت زده می شد. او به پدر و مادرش گفت که به نظرش ساندرا خوب نمی شنود. آنها ساندرا را به یک مرکز کوچک توانبخشی بردند. کارمندی او را معاینه کرد و گفت که ساندرا نقص جدّی شنوایی دارد.

بهداشتکار روستایی شرح داد که خانواده چگونه می تواند به ساندرا در یادگیری ایجاد ارتباط کمک کنند و نقاشی های زیادی از شکل دست که علائم برای لغات روزمره بود، به ایشان داد.

"هر بار که صحبت می کنید با "علامت" دست ها منظور خودتان را نشان دهید. تمام علائم و حرکت هایی را که در روستاییان متداول است، در این حرکت ها جای دهید. به کودکان دیگر هم طرز استفاده از آنها را بیاموزید و از آن یک بازی بسازید. ابتدا ساندرا چیزی درک نخواهد کرد اما نگاه می کند و یاد می گیرد، به مرور خودش آنها را یاد گرفته و استفاده می کند؟"

پدر پرسید: "اگر او به علامت ها عادت کند، باعث عدم یادگیری حرف زدن نمی شود؟"

بهداشتکار گفت: "نه. اگر همزمان صحبت کنید، مانعی نیست. علامت ها به درک لغات کمک می کند و حتی او به این شکل حرف زدن را هم زودتر یاد می گیرد. اما آموزش حرف زدن از طریق لب خوانی سال ها طول می کشد. اول او نیاز دارد که با استفاده از علائم منظور خود را برساند و ذهن خود را گسترش دهد."

خانواده ساندرا حتی در حرف زدن با هم شروع به استفاده از علائم می کردند. ماه ها گذشت اما ساندرا نه حرف می زد و نه علامتی نشان داد. اما با دقت بیشتری نگاه می کرد.

در سه سالگی ساندرا شروع به نشان دادن علائم کرد. در ۴ سالگی بسیاری از چیزها را از طریق علائم می گفت و می فهمید حتی چند کلمه‌ای را هم لب خوانی می کرد مثل "بله"، "نه" و "لینو". اما با علائم بیش از هزار لغت و بسیاری از جملات ساده را ادا می کرد.

ساندرا شاد و فعال بود. او رنگ کردن عکس ها و بازی بیست سئوالی را دوست داشت. لینو نوشتن حرف را به او یاد داد. یک روز از لینو پرسید که کی می تواند به مدرسه برود؟

جناب آقای دکتر ایروانی
ریاست محترم ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)

بدینوسیله از زحمات آن مقام محترم و حمایتهای همه جانبه شما و مجموعه کارکنان ستاد اجرایی فرمان امام (ره) از بیماران تالاسمی و انجمن تالاسمی ایران تقدیر و تشکربه عمل می آید.

انجمن تالاسمی ایران

آگهی مجمع عمومی فوق العاده شرکت ارس پربنیس (سهامی خاص)

بدینوسیله ازکلیه صاحبان سهام شرکت ارس پربنیس (سهامی خاص) دعوت می‌شود که درجلسه مجمع روز شنبه مورخ ۸۵/۲/۲۳ درمحل مرکز اصلی شرکت تشکیل می‌گردد. حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱ - افزایش ارزش اسمی هرسهم.
۲ - افزایش سرمایه شرکت و اصلاح بند ۵ اساسنامه.
۳ - اصلاح اساسنامه.

شرکت ارس پربنیس (سهامی خاص)

آگهی تصمیمات شرکت ایران شکر سهامی خاص ثبت شده به شماره ۹۴۸۳۴

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۸۴/۷/۳۰ شرکت مزبور که در تاریخ ۸۴/۸/۲۴ واصل گردید: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۸۴/۳/۳۱ به تصویب رسید. آقایان داود خمارلو - رضا حیدری و محمدسالور به سمت بازرسان اصلی و آقای سید احمد قریشی به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. اعضای هیئت مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: شرکت قندچناران - قند هکمتان - قند آبکوه - شرکت صنعتی و کشاورزی شیرین خراسان - شرکت کارخانه های تولیدی و صنعتی ثابت خراسان - شرکت قند اقلید - شرکت قند مرودشت و شرکت قند بیستون و قند اصفهان به عنوان اعضای اصلی هیئت مدیره و شرکتهای قند بردسیر کرمان و قند تربت حیدریه و قند نیشابور به سمت اعضای علی البدل هیئت مدیره.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/۶۱۶۶۶

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمائم

کلاسه پرونده: ۳۳۳/۸۴ واحد ۵ حل اختلاف محمود آباد - پاساژ امیر - طبقه فوقانی
وقت رسیدگی: ۸۵/۲/۱۳ ساعت ۲ عصر
خواهان: علی اکبر رضایی
خوانده: همایون شهریاری
خواسته: مطالبه وجه

خواهان دادخواستی تسلیم دادگاههای عمومی نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۵ شورای حل اختلاف ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده به علت مجهول المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود. تا خوانده از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور به هم رساند چنانچه بعدا ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ده روز خواهد بود.

مدیردفتر شعبه ۵ حل اختلاف دادگاه عمومی شهرستان محمود آباد
حسین اسلامی

آگهی تصمیمات شرکت صنعتی ماهیار سهامی‌خاص ثبت شده به شماره ۵۸۴۳

طبق صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده مورخ ۸۴/۹/۲۲ شرکت مزبور که در تاریخ ۸۴/۱۱/۲ واصل گردید: اعضاء هیئت مدیره به مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند. آقایان مسعود مشکوه رضوی، رضا مشکوه رضوی و خانم رزا مشکوه رضوی به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۸۴/۹/۲۲ آقایان مسعود مشکوه رضوی به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و رضا مشکوه رضوی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره تعیین گردیدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چکها و سفته‌ها و قراردادها به امضاء مدیرعامل منفردا همراه با مهر شرکت و یا دو نفر از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق عادی به امضاء یکی از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/۶۴۳۰۹

آگهی تغییرات شرکت پانیذ بذر با مسئولیت محدود ثبت شده به شماره ۲۳۹۲۳۷

به استناد صورتجلسه مجمع عموی فوق العاده و عادی بطور فوق العاده مورخ ۸۴/۱۰/۱ تصمیمات ذیل اتخاذ گردید: آقای ایرج علیمرادی با پرداخت مبلغی به صندوق شرکت سهم‌الشرکه خود را به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش داد. آقای سید جعفر شاهگلی با پرداخت مبلغی به صندوق شرکت سهم‌الشرکه خود را به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش داد. آقای محمد جعفرنیا خرانق با پرداخت مبلغی به صندوق شرکت سهم‌الشرکه خود را به مبلغ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش داد. آقای امیرحسین شیرمحمد با پرداخت مبلغی به صندوق شرکت سهم‌الشرکه خود را به مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش داد. در نتیجه سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش یافت و ماده ٤ اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید. نوع حقوقی شرکت از با مسئولیت محدود به سهامی خاص تغییر یافت. اساسنامه جدید شرکت مشتمل بر ٦٤ ماده و ۱۱ تبصره به تصویب رسید و جایگزین اساسنامه قبلی شرکت گردید. سرمایه شرکت مبلغ ۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۴۰۰/۰۰۰ سهم ۱/۰۰۰ ریالی بانام می‌باشدکه تماما پرداخت گردیده است. آقایان ایرج علیمرادی و جعفر شاهگلی و امیرحسین شیرمحمد و محمد جعفرنیا خرانق به عنوان اعضاء هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. آقای مصطفی جوهری فرد به عنوان بازرس اصلی و بمانعلی خرازی به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهیهای شرکت انتخاب گردید. به موجب صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۸۴/۱۰/۱ آقای ایرج علیمرادی به عنوان رئیس هیات مدیره و آقای محمد جعفرنیا خرانق به عنوان عضو و نایب رئیس هیات مدیره و آقای امیرحسین شیرمحمد به عنوان مدیر عامل انتخاب و امضاء کلیه اوراق بهادار و قراردادها و چک‌ها و سفته‌ها و بروات و اسناد تعهدآور، عقود اسلامی با امضاء رئیس هیئت مدیره یا مدیر عامل به اتفاق یکی از اعضای هیات مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد و اسناد عادی و اداری به امضاء مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر است و ذیل ثبت در تاریخ ۸۴/۱۱/۱۱ تکمیل امضاء گردید.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/٦٤۱۰۸

آگهی ابلاغ وقت دادرسی و دادخواست و ضمائم

کلاسه پرونده: ۳۱۷/۸٤/ ح ۲
وقت رسیدگی: ۸۵/٤/۲۵ ساعت ۱۱ صبح
خواهان: شمس الدین طباطبایی
خواندگان: ۱ - یحیی طهماسبی ۲ - هاشم حسینی ۳ - محمد علی شریف گنابادی ٤ - فرانک پیشکار (همگی مجهول المکان)
خواسته: اثبات مالکیت نسبت به دو قطعه زمین پلاکهای ۲۳ و ۲۲ فرعی از ۱۰ فرعی از ۳۰ اصلی و ابطال سند رسمی (۳۹۸۷۲ و ۳۹۸۷۳) تنظیمی در دفترخانه اسناد رسمی ٦۹ محمود آباد

خواهان دادخواستی تسلیم دادگاههای عمومی نموده که جهت رسیدگی به شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) محمودآباد ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده به علت مجهول‌المکان بودن خواندگان به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی مراتب دریکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خواندگان از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت نمایند و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور به هم رسانند چنانچه بعدا ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود، برابر مقررات اقدام خواهد شد.

مدیر دفتر شعبه دوم دادگاه عمومی (حقوقی) محمودآباد - علیپور

بسمه تعالی

آگهی ماده ۱۴۷ اصلاحی قانون ثبت

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ابهر به موجب رای شماره $\frac{۵۹۶٤}{۸٤/۱۲/۲}$ تصرفات مفروزی و مالکانه آقای احمد حسن خانی فرزند کوچک در شش دانگ یک باب عمارت قسمتی از پلاک ۲۳۴۲/۲۳۶۷ فرعی از ۱ واقع در ابهر بخش سه زنجان شهرستان ابهر از مالکیت / نسق شهرداری ابهر به مساحت ۷۶/۷۵ مترمربع تایید و به جهت عدم دسترسی به مالکین مقرر شده پس از نشر آگهی سند مالکیت رسمی صادر و تسلیم گردد. لذا در اجرای بند ۱۶ ماده یک قانون اصلاح مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت مصوب ۱۳۶۵/۲/۳۱ و الحاق موادی به آن مصوب ۱۳۷۰/۶/۲۱ و بند ۲ ماده ۳۳ آیین‌نامه اجرایی آن مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز جهت اطلاع مالکین مشاعی و سایر صاحبان حقوق آگهی می‌شود چنانچه ظرف مهلت دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی اعتراضی از طرف شرکا ملک به ثبت محل نرسد اداره ثبت ابهر سند مالکیت قطعی مورد تقاضای متصرف را براساس رای صادره طبق مقررات صادر خواهد کرد. در صورت وصول اعتراض مراتب به دادگاه صالحه ارسال می‌گردد. در هرحال صدور سند مالکیت جدید، مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۸۵/۱/۲۱ **تاریخ انتشار نوبت دوم:** ۱۳۸۵/۲/۴

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان ابهر-حسین زاده

آگهی فراخوان مناقصه عمومی
۲-۸۵-۴۸
نوبت دوم

نام سازمان مناقصه‌گذار: راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران - اداره کل کارخانجات بازسازی لکوموتیو کرج
موضوع مناقصه دو مرحله‌ای: بازسازی المانهای الکتریکی و الکترونیکی و میکروپروسسوری لکوموتیو
میزان سپرده مناقصه: مبلغ ٤٥،۰۰۰،۰۰۰ ریال
مهلت و محل دریافت اسناد: از تاریخ چاپ نوبت اول حداکثر تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۸۵/۲/۱۰ کرج - حسین آباد راه‌آهن - روبروی مجتمع شهید کچوئی - کارخانجات بازسازی لکوموتیو - اداره تدارکات
مهلت و محل تحویل پیشنهاد: از تاریخ چاپ نوبت دوم حداکثر تا ساعت ١٤بعدازظهر روز چهارشنبه مورخ ۸۵/۲/۲۰ اداره تدارکات به نشانی فوق
زمان تشکیل جلسه مناقصه و قرائت پیشنهادها: ساعت ١٤/۳۰روز چهارشنبه مورخ ۸۵/۲/۲۰
قیمت اسناد و نحوه واریز وجه: مبلغ یکصد هزارریال (۱۰۰،۰۰۰) ریال به حساب٦٧-٥٧٤ نزد بانک مرکزی به نام خزانه‌داری راه‌آهن قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت وزارت راه ترابری www.IRANETS.ir و سایت راه‌آهن www.IRIRW.com مراجعه نمایید. دریافت اسناد مناقصه از طریق سایت IRANETS رایگان می‌باشد. در ضمن هزینه کل چاپ دو نوبت آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

اداره کل کارخانجات بازسازی لکوموتیو کرج

سند، شناسنامه و برگ فروش خودرو سواری پیکان سفید رنگ شماره شهربانی ۸۱٤ ج ۹۹ شیراز تیپ ۱۶۰۰ شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۸۹۳۸۷ شماره شاسی ۰۰۸۲٤۰۰۳۳۸ به مالکیت آقای شاهین محمدی فرزند کریم شماره شناسنامه ۳۸۵۹ صادره از کازرون مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت پایان خدمت حمید صداقت فرزند غلامحسین به شماره شناسنامه ۱۰۲ صادره از نی ریز متولد ۱۳۶۲ به شماه کارت ٥۱۹۱۸٥٤ ارتش نیروی زمینی تیپ ٤٥ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت پایان خدمت شماره ۲۹۵۲٤۸۹ صادره از یگان منطقه انتظامی آمل مورخ ۱۳۷۶/۷/۱۹ به نام کمال‌الدین کمی فرزند توی‌قلی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت پایان خدمت اینجانب عامر طاهری گیوی فرزند فرخ به شماره شناسنامه ۱۰۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است

دفترچه کار رانندگی به شماره ۷۱۰۲۶۹۶۶۰ به نام نادعلی پاشایی فر صادره از کرمانشاه مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی تغییرات شرکت ماشین‌سازی اراک سهامی‌عام به شماره ثبت ۱۱۵۶۷۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۸٤/۱۱/۳ تصمیمات ذیل اتخاذ گردید: آقایان دادالله قرینی به سمت رئیس هیات مدیره و علی اصغر توفیق به سمت نایب رئیس هیات مدیره و رسول بهمن اسکویی به سمت مدیرعامل برای بقیه مدت تصدی هیئت مدیره تعیین گردیدند. امضاءکلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور از جمله چک، سفته با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای دو نفر از ا عضای هیئت مدیره با مهر شرکت معتبر است و اوراق عادی با امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر است.

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری ۳۲/٦٥٥٦۳

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت پخش یک و یک (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۶۱۴۶۲

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت پخش یک و یک (سهامی خاص) دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که راس ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه مورخ ۸۵/۲/۱۷ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان فلسطین- کوچه شهید عسگری - پلاک ۱۵۱/۱ تشکیل می‌گردد، حضور به هم‌رسانند.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی مربوط به عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۸٤/۱۲/۲۹
۲- بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۸٤
۳- انتخاب بازرس قانونی شرکت.
٤- تعیین روزنامه کثیرالانتشار.
٥- سایر موارد.

هیئت مدیره شرکت پخش یک و یک (سهامی خاص)

بسمه تعالی

پگاه
شرکت شیر پاستوریزه پگاه آذربایجان غربی (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی

شرکت شیر پاستوریزه پگاه آذربایجان غربی (سهامی عام) در نظر دارد خرید ۲،۰۰۰،۰۰۰ عدد کارتن جهت بسته بندی شیر سه گوش را براساس شرایط به برنده مناقصه واگذار نماید. از شرکت‌های واجد شرایط که در این زمینه فعالیت دارند دعوت به عمل می‌آید، جهت کسب اطلاعات بیشتر به واحد بازرگانی کارخانه واقع در کیلومتر ۳ جاده دریا، تلفن ۲۳٤٤٥۸٦-۰٤٤۱ مراجعه و ضمن دریافت برگ شرایط مناقصه پیشنهادهای خود را حداکثر ده روز بعد از تاریخ نشر آگهی در قبال اخذ رسید تحویل دبیرخانه شرکت نمایند.

شرکت شیرپاستوریزه پگاه آذربایجان غربی (سهامی عام)

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای مرتضی خدابنده دارای شناسنامه شماره ۳٦٤۰ به شرح دادخواست به کلاسه ٤٧/۸٥ ح ۳ از این دادگاه درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان محمد خدابنده به شناسنامه ١٦٥ در تاریخ ۱۳۸٤/۱۲/۲٤ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱- مرتضی خدابنده به شماره شناسنامه ۳٦٤۰ فرزند متوفی.
۲- مریم خدابنده به شماره شناسنامه ۱۱٦۰۲ فرزند متوفی.
۳- ملیحه خدابنده به شماره شناسنامه ۰٦۳۳۰۷-٤۳۱۰ فرزند متوفی.
٤- مهران خدابنده به شماره شناسنامه ۰٦٤۳۹-٤۳۱۰ فرزند متوفی.
٥- معصومه خدابنده به شماره شناسنامه ۲۲۰ همسر متوفی.
٦- غلامحسین خدابنده به شماره شناسنامه ۹٥ پدر متوفی.
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک مرتبه آگهی می‌نماید تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه سوم دادگاه حقوقی قزوین

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۸۵/۱۱۰

شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین در نظر دارد انواع تابلوهای مورد نیاز خود را با برگزاری مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا کلیه تولیدکنندگان و فروشندگان مربوطه می‌توانند از تاریخ چاپ آگهی به مدت یک هفته در ساعات اداری جهت خرید اسناد و شرایط مناقصه به مبلغ ۲۰،۰۰۰ ریال به نشانی: قزوین - ابتدای خیابان طالقانی - شرکت توزیع نیروی برق قزوین - طبقه دوم - امور تدارکات مراجعه و یا از طریق سایت اینترنتی این شرکت به نشانی: WWW.Qazvin-ed.co.ir دریافت نمایند.

دفتر روابط عمومی
شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین

آگهی مناقصه عمومی
شماره ۸۵/۱۱۳

شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین در نظر دارد تعداد ۱۰۰ صفحه پایه فلزی مورد نیاز خود را با برگزاری مناقصه عمومی خریداری نماید، لذا کلیه تولید کنندگان و فروشندگان مربوطه می‌توانند از تاریخ چاپ آگهی به مدت یک هفته در ساعات اداری جهت خرید اسناد و شرایط مناقصه به مبلغ ۲۰،۰۰۰ ریال به نشانی: قزوین - ابتدای خیابان طالقانی - شرکت توزیع نیروی برق قزوین - طبقه دوم - امور تدارکات مراجعه و یا از طریق سایت اینترنتی شرکت به نشانی WWW.Qazvin-ed.co.ir دریافت نمایند.

دفتر روابط عمومی
شرکت توزیع نیروی برق استان قزوین